

کوتاه نوشت هایی از هادی پاکزاد

- آدم تا زنده است باید بخوابد، بعد از مرگ که خواب لذتی ندارد.
- آدم ها عوض می شوند یک عوضی قبلا شانس خود را امتحان کرده.
- ارتفاع که بالا می رود احساس غرور می کنی، بالاتر که رفت، احساس تنهایی.
- از اینجا که هستم، خدا آن قدر دور است که بی آن که هرگز دیده باشمش دلم برایش تنگ شده.
- آغوش امن برای یک غمگین، آغوش یک غمگین تر است.
- افراد ۲ دسته اند، دروغگو هایی که وقتی لازم است دروغ می گویند، دروغگو هایی که هر وقت بشود، دروغ می گویند، دسته اول را صادق می نامند.
- اگر ثروتمند نیستید، عشق احتمالا ارزان ترین تفریح دنیاست.
- اگر جرات کشتن کسی را ندارید، وقتش را تلف کنید. وقت کشی جنایتی است که پیگرد ندارد.
- امروزه انسان ها به دو دسته تقسیم می شوند، آن ها که حوصله دارند و آن ها که حوصله ندارند.
- انسان کامل حیوان درون خود را پذیرفته است، از این رو با دیگر حیوانات کنار می آید.
- این دنیا، از جایی که مرا به دیوار آویخته اند، کج است.
- این وزن اضافه به دوش بودنم، سهم تویی است که هنوز نیامده ای.
- با تو در موازنه ام... موازنه، تحلیل وجودم در اسید توست.
- باران امشب از حوالی من به آنجا آمده نترس، کمی شلوغش کرده که رد گم کند.
- باز از حال متغیرم پرسیدی، راستش کمی مکث می کنم، و دروغ تازه ای.
- باور تاریخ در طی قرن ها منتظر هیچ منجی نبوده، آن قدر که من فقط در یک شب منتظرت ماندم.
- برای بلوغت حرف دارم و تامل، برای کودکیت، لبخند و تحمل.
- برای پس گرفتن آن چه جا گذاشتی برنگرد، در هر رفتنی به قدر کافی برده ای.
- برای خوب نوشتن لازم نیست در تنهایی چیزی مصرف کنید، کافیسیت قرص هایتان را نخورید و به میان مردم بروید.
- برای ورود به باغ وحش بلیط بخرید، حیوانات در قفسند، برای برگشتن به شهر اسلحه بخرید.
- به آمدنت یقین دارم، اگر دیر شود، به دنیای پس از مرگ ایمان خواهم آورد.
- به دور ریختن که عادت کنی، بتدریج همه چیز زباله است.
- بی دلیل که شکنجه شوی، نجات معنی ندارد، به استراحت فکر می کنی.
- پلی میان قلب و صورتم فرو ریخته، احساساتم هیچ راهی به صورتم ندارند.

- تاریخ: دنیا از پیام های بازرگانی شروع شد کم کم، با زاد و ولد آدم هایی برای تبلیغات معرفی شدند. بعد آدم ها به دو دسته تقسیم شدند، آن هایی که عدد بودند که نفر صدایشان می کردند و آن هایی که قهرمان بودند که در پیام ها معرفی می شدند. بعد انسان به یک معنای جدید با تعریف حوصله دست یافتند.
- تحمل یعنی بگذاری، درد بیاید، بماند ، بدرد ، برود. تحمل گذشتن از منطقه جنگی درد است.
- تختخواب یک یا دو نفره، خواب ذاتاً یک نفره است، خواب انحصاری ترین حریم دنیاست.
- ترس به تو کمک می کند یک روز بیشتر زندگی کنی، جسارت به تو کمک می کند یک روز بهتر زندگی کنی.
- تمایل شما به تغییر دنیای بیرون، لزوماً بروز قدرت شما نیست، ناتوانی شما از اداره درونتان است.
- تهوع یعنی میل به پس دادن تجربه ها به دنیا.
- تو از من متنفر نیستی، تو از حسی که به من داری متنفری.
- تو به تنهایی قدر تمام پروازهای این شهر، به مقصدی مرطوب ترکم کردی.
- تو در من زندگی نمی کنی، تردد می کنی، من آن قدر از تو برانگیخته ام که اتصال به تو آرام نمی کند، متلاشی ام می کند.
- توجیه ها، مدهایی هستند که آدم ها به روز تن حرف هایشان می کنند.
- تیک تاک، مثل ساعت کار می کند دنیای تو. دنیای من اما سوت ممتد می کشد، مثل کتری آب که وقتش شده از روی آتش برش دارند.
- جایی که بزرگترین دغدغه تفریح کردن است، هرچه نزدیکتر باشی، اسباب بازی تری.
- چیزی که هزینه نگهداریش بیشتر از قیمتش باشد، توجیه نگه داشتن ندارد، اگر چه انسان.
- حرف که می زنی آدم ها را به اتاق مغزتان دعوت می کنی، اگر اتاق زیبایی ندارد، دست کم تمیزش کنید.
- خشمگین ساکت، طراح خیانت است.
- در آزمایشگاه موش ها اسم یکدیگر را می دانند، صاحب آزمایشگاه تعداد آن ها را.
- در طوفانی که به راه انداختی من تحمل می کنم. تو میشکنی.
- در مسیری که برای رسیدن به آرزوهای تان طی می کنی، به شخص جدیدی بدل می شوی، فرد جدید به آرزوهای آدم قبلی می رسد.
- درد تو را تغییر می دهد تا خود قابل ستایش باشی، افسوس، تو به دردهایت افتخار می کنی.
- درد چیزی مثل معجزه است. کاربردش این است که به چیزی ایمان بیاوری.
- دشمن قوی شکستت می دهد، دشمن صبور تو را شبیه خود می کند.

- دنیا پر از کسانی است که شما را خوب درک می کنند، و هیچ غلط دیگری نمی کنند.
- دهننت را ببند لزوماً یک توهین نیست، می تواند تمرین نیز تلقی شود.
- راز من شو، نگهت می دارم.
- زندگی عادی، ارزش صبح بیدار شدن را هم ندارد.
- زندگی یک پیشنهاد است، به کسی که هنوز وجود ندارد.
- زنی که به او بسیار توجه شود، هر روز زیباتر می شود.
- ساده ترین دلیل موفقیت حماقت در دنیا سهولت دیده شدن آن است.
- ستاره قطبی ستاره ای است که جایش در آسمان ثابت است، انگار دیگر ستارگان دور آن بچرخند. از خودش که می پرسیم هیچ ذهنیتی ندارد که کجاست. من دوستش دارم، او غمگین است، و من آن قدر فلج که نتوانم جایش را برایش نقاشی کنم.
- سخت ترین کار برای یک زن این است که فکر کند چیزی که حس کرده اشتباه است. و برای مرد این که، حس کند چیزی که فکر می کند اشتباه است.
- سر از تنهایی ام در نمی آورم کسی به آن اضافه و از آن کم نمی کند.
- سعی بزرگ برای هدف کوچک، شما را فرسوده و غمگین می کند.
- سکوت، مردی نامرئیت که اخبار قلبم را مقابلت پانتومیم می کند.
- شعور جمعی هرگز اشتباهی نمی کند، مگر بزرگ.
- شکارچی، می کشد و می برد، قاتل، می کشد و می رود.
- طبع پیش پا افتاد انسان، مرگ طبیعی، مرگ از کهولت است.
- عقاید زیبایی را به من نگو، قیمت آن ها را بگو.
- عموم لذت هایی که مردم به تجربه آن می بالند، اولیه ترین ماجراجویی های انسان های اولیه است.
- غم انگیزست، طبیعت از من یک خودآزار ساخته، که به دقت اشتباه می کند.
- فراموش کردن یک فعل نیست، یک پروسه است.
- قلب آرام، از کام به کم نزول نمی کند.
- کامل که باشید آدم ها می خواهند تجربه تان کنند، زنده که باشید دوست دارند زندگی تان کنند.
- کمال گرایی شما را از خودتان و کمال پرستی از دیگران ناراضی می کند، کمال شما را آرام نمی گذارد.
- که آنچنان کامل است، که خودت، خودت را کنارش دوست نداری.
- مادری شیر خوارش را از دست داده، چه رنج می برد، از التهاب پستان پرش.
- مردم قدری از حقیقت را می شنوند که پذیرشش را دارند و قسمتی از واقعیت را به تو می گویند که تحملش را داری.

- من از عشق به کسی که دوستم دارد، هر چقدر ممنوعه باشد ترسی از کسی ندارم. شاید شما مالک قلب و فکر کسی هستید، اما مالک جسم بودن برده داری است.
- موش‌ها پیشرفت می‌کنند، و آماده آزمایش بعدی.
- می‌توانید یک وحشی را رام کنید، او می‌گذارد به خودتان افتخار کنید، تنها تا روزی که او را طرد نکرده اید.
- می‌گویند من تلخ می‌نویسم. حرف‌ها، بزرگ‌ها، بزرگ‌تر از گلو، آن‌ها را می‌نویسم.
- نرم‌افزاری می‌خواهد بهتر زندگی کند، روی سخت‌افزاری که می‌خواهد بیشتر زندگی کند، انسان یک منطقه‌ی جنگیست.
- نمی‌توان همزمان عاشق دو نفر بود، اگر شیفته‌ی کسی هستی، خودت را به قدر کافی دوست نداری.
- نمی‌گویم زمین مخلوق خدا نیست دست کم، دغدغه‌اش نیست.
- هرگز به دنیا غلبه نخواهی کرد چون به اندازه او وقت نداری.
- هنر، کم و کامل است.
- هیچ پاسخی آن قدر دندان شکن نیست که بتواند یک احمق را متقاعد به سکوت کند.
- هیچ‌کس ناگهان نمی‌گذارد برود، به تدریج می‌گذارد، ناگهان می‌رود.
- و زیبایی در تغییر است.
- وقتی برای مدت طولانی کاری انجام می‌دهید و احساس خستگی نمی‌کنید، یعنی خستگی وقت داشته شما را تسخیر کند.
- وقتی روانپزشکتان اسم مریضی شما را نمی‌داند، شما از سلامتی رنج می‌برید.
- وقتی هیچ‌کس اطراف تو نیست و به هیچ نیرویی امیدی نداری تو تنها نیستی، بلکه آزادی.
- یک رویا می‌تواند کوچک، ولی باید زیبا باشد. یک هدف می‌تواند زشت، ولی باید مهم باشد. اهدافتان شما را خوشبخت و رویاهایتان شما را موفق نخواهند کرد.